

وضعیت ناشنوایی و ناشنوایان در ایران^۱

محمود پاکزاد^۲

اشاره

نویسنده این مقاله چند دهه خدمات بسیاری برای ناشنوایان داشته است؛ از سال ۱۳۳۴ در مدرسه باغچه‌بان کارش را آغاز کرد. او تلاش کرده چشم‌اندازی از وضع ناشنوایی و ناشنوایان ایران داشته باشد. آقای پاکزاد علاوه بر اطلاعات تاریخی، دیدگاه‌های بنیان‌گذاران نحله ناشنوایی مثل ذبیح بهروز را آورده و بررسی کرده است؛ سپس به وضعیت آموزشی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی ناشنوایان ایران می‌پردازد.

وضعیت آموزشی، رفاهی، اجتماعی و حقوقی ناشنوایان در ایران در دهه‌های اخیر همواره رو به بهبود و بهتر شدن بوده است. امروزه ناشنوایان ایران، نسبت به چند دهه پیش و مقایسه این روزها با آن سالها، نشان می‌دهد که وضعیت بسیار مناسب‌تری پیدا کرده‌اند. پیشینه آموزش کودکان ناشنوا در جهان ثبت و نوشته نشده است؛ از این رو اطلاع چندانی از ناشنوایان قرون خیلی دور در دست نیست. تنها هری بست^۳، در کتاب خود، از کوششهای درباره ناشنوایان در ایران و مصر قدیم، نیز رُم و یونان به ویژه در زمینه آموزش کودکان ناشنوا گزارش داده است.

دوره مشروطیت و اندیشه آموزش ناشنوایان:

همزمان با پدید آمدن موج تجددخواهی در ایران، نواندیشان به نقد و ارزیابی مکتبخانه پرداختند. آنان با رد روشهای سنتی، دیدگاههای نو درباره آموزش و پرورش کودکان پیشنهاد کردند. با کوشش دانش‌پژوهان و اندیشمندانی که با اندیشه‌های نوین آموزش و پرورش غرب آشنایی داشتند، آموزه‌ها و روشهای نو آموزشی به ایران انتقال یافت. قشرهای خاص مثل ناشنوایان جامعه ایرانی به تدریج تحت تأثیر این تحولات قرار گرفت و طولی نکشید روشها و آموزشهای جدید به این قشر تعمیم یافت.

صحبت از مدرسه کrollalها برای نخستین بار در سخنان میرزا مصطفی افشار مشاهده می‌شود. وی به همراه هیئت عذرخواهی به سرپرستی شاهزاده خسرو میرزا (فرزند عباس میرزا نایب‌السلطنه) روانه پترزبورگ گردید تا امپراتور روسیه را از قصد انتقام خون ریخته شده گریبایدوف سفیر روسیه، که در سوم شعبان ۱۲۴۴ در تهران کشته شده بود و حمله مجدد به ایران، بازدارد. این سفر از شانزدهم شوال ۱۲۴۴ تا سوم رمضان ۱۲۴۵ یعنی نزدیک به یازده ماه طول کشید. هیئت ایرانی در این فرصت از مکانهای آموزشی روسیه بازدید کرد.

کتاب احمد (۱۳۰۷ ق / ۱۸۹۰م) نوشته عبدالرحیم طالبوف که جزء رساله‌های مشروطیت محسوب می‌شود، برای اولین بار به ضرورت تأسیس مدرسه کrollalها پرداخت. از این رو این نوشته را می‌توان اولین سند رسمی دانست که لزوم تأسیس مدرسه برای کrollالان (ناشنوایان) ایران را مطرح می‌کند.

طالبوف با پیشرفتهای آموزشی در کشورهای پیشرفته به خوبی آشنا بود و در زمینه آموزش کوران (نابینایان) و کrollالان (ناشنوایان) مطالعات خوبی داشت. اطلاعات و دستاوردهای پژوهشی او در این کتاب درج شده است.

او طی سفر به استانبول از مدرسه ویژه آموزش ناشنوایان که در روزگار سلطان عبدالحمید عثمانی (۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م) تأسیس شده بود، بازدید به عمل آورد. این بازدید در اندیشه او مؤثر بود و به سوی تأسیس مدرسه برای قشر ناشنوایان در ایران گرایش پیدا کرد. بطوری که در سال بعد آن را در جلد اول کتاب احمد مطرح کرد.

خوشبختانه آرزوی طالبوف بعد از ۳۵ سال در اواخر سال ۱۳۰۳ ش. به تحقق پیوست؛ زیرا جبار باغچه‌بان در تبریز به فکر تأسیس کلاسی برای آموزش کودکان کrollال افتاد. بعد از این، تاریخ آموزش و پرورش ناشنوایان ایران با همه دشواریها و موانع آغاز شد.

به این ترتیب اندیشه‌ای که از قرن پنجم قبل از میلاد در یونان باستان برای آوردن ناشنوایان در عرصه قشرهای فعال جامعه مطرح بود. پزشکان و مربیان تعلیم و تربیت در آن دوره تلاشها می‌کردند تا به جامعه تفهیم کنند که ناشنوایان همانند آنها استعداد علم‌آموزی و پیشرفت دارند. اما قرن‌ها طول کشید تا مردم این اندیشه‌ها را پذیرفتند؛ حداقل در اروپا در قرن نوزدهم با استقبال عمومی مواجه شد. در ایران تا سال ۱۳۰۳ قشر عظیم ناشنوا مورد بی‌مهری و حتی طرد از طرف پدران و مادران و مورد استهزاء هموعان و قضاوت‌های غیرمنصفانه نخبگان قرار می‌گرفتند. تا اینکه در قرن بیستم، دیدگاه طرفدار توانمندیهای ناشنوایان و تأثیر مستقیم آنها در ساختار اقتصادی و اجتماعی و حتی مدیریتی جامعه، پیروز شد و راه برای آموزش و پرورش آنها فراهم شد.

تحولات تاریخی:

پس از مشروطیت و آشنایی ایرانیان با نهادها و مؤسسات جدید در عرصه آموزش و پرورش، زمینه‌های بازسازی نظام آموزشی ایران فراهم آمد. پیدایش این زمینه‌ها در حوزه ناشنوایی هم مؤثر بود و گاه نظریاتی بیان می‌شد. اما پیشینه آموزش و پرورش کودکان ناشنوا در ایران، به طور رسمی به اولین دهه ۱۳۰۰ بازمی‌گردد. در این زمان، جبار باغچه‌بان مدرسه ناشنوایان را به عنوان نخستین مرکز آموزشی ناشنوایان در ایران بنیان‌گذاری کرد. نام ذبیح بهروز (۱۳۵۰-۱۲۶۹) را در مورد آغاز آموزش به ناشنوایان و به ویژه انتشار مطالبی درباره

۱. اخذ شده از دانشنامه ناشنوایان، به کوشش محمد نوری، ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۲.
۲. کارشناس امور آموزشی و مؤلف ده‌ها مقاله و کتاب درباره ناشنوایان.

اصفهان، منصوره، نظام مافی و مجتمع آموزشی ناشنوایان نيمروز در تهران، از جمله مدرسی بودند که پس از باغچه بان و پيش از ايجاد دفتر برنامه ريزی آموزش استثنایی شکل گرفتند. پس از ايجاد مرکز آموزش کودکان ناشنوای نيمروز در ۱۳۴۴ و به دست محمود پاکزاد کوششهای گسترده ای که در زمينه آموزش ناشنوایان انجام گرفت، وزارت آموزش و پرورش، ايجاد دفتر مستقلى را که مسئول آموزش دانش آموزان استثنایی باشد، حس کرد و پس از تشکیل جلسات متعدد، در ۱۳۴۷، دفتر برنامه ريزی آموزش کودکان استثنایی شکل گرفت. دفتر یاد شده، آموزش کودکان ناشنوا و ساير گروههای کودکان استثنایی را به دو صورت ايجاد کلاس در مدارس عادی و ايجاد مراکز مستقل آموزشی، آغاز کرد. خوشبختانه، وجود مراکز آموزشی ناشنوایان نيمروز در زمان تشکیل دفتر مزبور و بهره گیری از تجارب ارزنده و نیروی انسانی متخصص این مراکز، کار دفتر یاد شده را آسان ساخت و سبب شد که این دفتر با همکاری ادارات آموزش و پرورش، بتواند آموزش و پرورش گروههای مختلف استثنایی از جمله ناشنوایان را به بیش از یکصد نقطه کشور، گسترش دهد.

در شهر مشهد نیز اولین کلاسهای ناشنوایان در دو اطلاق انباری اداره کل آموزش و پرورش دایر شد و از آن روز به بعد هر جا برای کلاس درس نامناسب بود و یا اضافی، به کودکان استثنایی منجمله ناشنوایان اختصاص می یافت و گهگاه که فضایی مناسب بر حسب تصادف به کودکان ناشنوا مثل دبیرستان هاجری مقابل هتل هما واگذار می شد به محض نیاز مدارس عادی، این مظلومان، آواره می شدند و تا سال ۱۳۶۷ این نگرش که کودکان استثنایی منجمله ناشنوایان باید در محلهای اضافی و بلااستفاده نگهداری شوند حاکم بود.

دفتر آموزش کودکان استثنایی، تا ۱۳۷۰ به کار خود، ادامه داد و در ۱۳۷۱، بر اساس ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی به «سازمان

ناشنوایان، نباید فراموش کرد. در اینکه کدام یک از این دو، در زمينه آموزش و پرورش ناشنوایان، کار را آغاز کردند، اختلاف نظر وجود دارد. ذبیح بهروز، اولین متفکر ایرانی بود که در این زمينه، سالها تحقیق کرد و مطالبی علمی درباره آموزش ناشنوایان، منتشر کرد. مسلم است مطالب بهروز، اولین مطالب مکتوب در این باره است و نشان می دهد که وی، سالها در زمينه آموزش ناشنوایان، مشغول بوده و تحقیقات و تجربیاتی کسب کرده است. حتی نامبرده، چندین ناشنوا را به طور خصوصی، برای کسب تجربه به آموزش گرفته است. بهروز، در آن زمان، در توجیه فعالیتهاى خود، یادآور شده که در ایران، حدود چهل هزار ناشنوا وجود دارد و اینان، مشکلات پر شماری دارند که ايجاد می کند افرادی به پژوهش و مطالعه درباره آنها بپردازند.

گرچه باغچه بان، نخستین مدرسه ناشنوایان را بنیان گذارد، ولی ذبیح بهروز نیز، نخستین کسی است که مطالبی را درباره ناشنوایان و شیوه آموزش آنان به صورت علمی و مکتوب، ارائه کرده است. شباهت زیادی نیز بین آنچه بهروز نوشته و آنچه در مدرسه باغچه بان از نظر آموزش انجام می گردد، وجود دارد و این شباهت، در برخی موارد، از جمله استفاده از تصاویر و علايم است. اینها تأثیر یکی را بر دیگری به خوبی آشکار می سازد. به هر حال، هر دو در تاریخ آموزش و پرورش ناشنوایان ایران و وضعیت کنونی آن ایران، سهمیم بوده اند. اهمیت آنان، در این است که جبار باغچه بان، به عنوان بنیان گذار نخستین مدرسه ناشنوایان در ایران، در دوره ای کار را آغاز کرد که آموزش و پرورش آن روز، وضع قابل قبولی نداشت و بهروز، کار پژوهشی را هنگامی آغاز کرد که تحقیقات این گونه ای ناشناخته بود.

چند دهه تلاش باغچه بان و یاران و شاگردان او، نظام آموزش و پرورش ناشنوایان را پایه ریزی کرد و چهل سال پس از ايجاد نخستین مدرسه کرولها در ایران، پیشرفتها بسیار مشهود بود. مدارس تبریز، گلبیدی



محمود پاکزاد در میان شاگردان دبستان نيمروز، ۱۳۴۴

آموزش و پرورش کودکان استثنایی» تغییر نام یافت. این ماده واحده و تبصره‌های آن، اختیارات گسترده‌ای به این سازمان داد.

آموزش و پرورش:

حدود چهل سال پیش در تهران، تنها یک مرکز آموزش اطفال کرولال، و در سایر نقاط کشور هم دو مؤسسه آموزش از این دست وجود داشت. امروز، این قبیل مؤسسات، هر چند نسبت به تعداد فعلی ناشنوایان ناکافی است، تقریباً در سرتاسر کشور، وجود دارد.

در گذشته جامعه با آموزش ویژه ناشنوایان آشنایی نداشت. اما در دهه‌های اخیر به کمک رسانه‌های عمومی، مردم توجه شده‌اند؛ آگاهی و اعتقاد به مسائل و ابعاد آموزش و پرورش ناشنوایان همگانی شده است. لزوم آموزش پیش‌دبستانی کودکان ناشنو شناخته نبود؛ اما امروز از لحاظ نظری، لزوم و اهمیت آموزش پیش‌دبستانی کودکان ناشنوا، مورد قبول است و در عمل، دو سازمان دولتی، یعنی سازمان آموزش و پرورش استثنایی و سازمان بهزیستی، متصدی ساماندهی آموزش پیش‌دبستانی شده‌اند.

پیش از تأسیس این نهادها، آموزش کودکان ناشنوا، تابع نظر و سلیقه شخصی مدیریت مراکز آموزشی بود، اما امروز نظام آموزشی با اصول و روش‌های ویژه نهادینه شده است و تصمیم‌گیرها در صلاحیت یک شورای دولتی به نام شورای عالی سازمان آموزش و پرورش استثنایی به ریاست وزیر آموزش و پرورش است.

در نظام آموزشی جدید، والدین نقش مهمی دارند و باید توجه شوند تا برقراری ارتباط کودکان را با استفاده از گفتار و لب‌خوانی و اشارات طبیعی آسان کنند. توسعه مؤسسات آموزشی به ویژه دوره پیش‌دبستانی برای کودکان ناشنوا در همه نقاط دور و نزدیک و حتی در روستاها بخشی از راه‌کار برای نهادینه‌سازی نظام آموزشی نوین است.

آموزش کودکان ناشنوا، از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید به آن پرداخت. کودک ناشنوا با طی آموزش در خانه و مراکز پیش‌دبستانی تا پایان دوره راهنمایی قادر می‌شود برای گذراندن امور عادی زندگی خود، از گفتار نسبتاً واضح و قابل فهم و یا لافل سواد خواندن و نوشتن مناسبی استفاده کند. برای تأمین این هدف، این برنامه‌ها از سوی مراکز ناشنوایی در چند سال اخیر، مورد توجه قرار گرفته است: اصطلاح تلفظ و گفتاردرمانی ارزان در مورد کودکانی که استعداد و توان گفتار قابل توجهی دارند؛ آموزش خواندن و فهمیدن و نوشتن زبان فارسی؛ تهیه کتب آموزش زبان فارسی مثل یک زبان بیگانه در حدود امور جاری زندگی روزانه؛ تهیه یک فرهنگ لغت فارسی با اعراب و تصویر.

غیر از آموزش، ناشنوایان، نیاز به پرورش نیز دارند. از این رو، برنامه‌هایی برای کمک به تأمین سلامت روحی و جسمی، تقویت شخصیت و اعتماد به نفس و ارتقای فرهنگی آنها در نظر گرفته شده است. اجرای برنامه‌های بازدید از مراکز مهم صنعتی یا محل‌های طبیعی، نیز گردش و ورزش ناشنوایان، به عنوان روش‌های پرورشی مطرح شده است.

در شرایط کنونی ایران، اولویت با اصلاح توسعه متون درسی و به کارگیری شیوه‌های جدید تربیتی با استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته است.

روابط اجتماعی:

در گذشته تنها راه ارتباط ناشنوایان، روبه‌رو شدن با آنان و مشاهده

اشارات طبیعی و شنیدن صداها نامفهوم آنان بود. ولی امروز، شمار ناشنوایان با گفتار نسبتاً واضح و قابل فهم، قابل توجه است و افزون بر این، ناشنوایان به آسانی می‌توانند با بهره‌گیری از دستگاه دورنگار با هر نقطه از جهان، ارتباط کتبی داشته باشند. دیگر وسایل و روش‌های جدید به کمک ناشنوایان آمده تا آنها ارتباطات خود را به آسانی انجام دهند.

دیدگاه‌های عمومی این بود که ناشنوایان، موجودات نگون‌بختی‌اند که در بدترین حالت، مورد تمسخر، و در بهترین حالت، مورد ترحم دیگران باید قرار گیرند؛ اما با توجه عمومی، دیدگاه مردم عوض شد و امروزه شخصیت و حقوق انسانی آنها پذیرفته و محترم شمرده می‌شود. خود ناشنوایان، با تحصیلات دانشگاهی و کسب موفقیت در رشته‌ها و مشاغل مختلف ثابت کرده‌اند که می‌توانند با بهره‌گیری از استعدادهای خود و آموزش مناسب، عناصر مفیدی برای اجتماع باشند.

تمام این پیشرفت‌ها مدیون مساعدت فرهنگی مردم، و کوشش و تلاش مداوم اشخاص علاقه‌مند و مسئولانی است که بعضاً از این دنیا رفته‌اند و بعضاً در بازنشستگی به سر می‌برند و یا هنوز، اشتغال دارند.

با وجود این پیشرفت‌ها، هنوز ناشنوایان و مراکز ناشنوایی درصدد رسیدن به وضعیت بهتراند و گاه در رسانه‌ها مشکلات، نارایی‌ها، نیازها و خواسته‌های خود را مطرح می‌کنند، تا با نقد حال، به پیشرفت‌های بیشتر برای آینده دست یابند.

تأمین اجتماعی:

چند دهه گذشته، جامعه و دولت، در زمینه آموزش و رفاه بهزیستی ناشنوایان و سایر معلولان، برای خود، مسئولیتی قائل نبود. با تأسیس سازمان رفاه و بهزیستی در سال‌های گذشته و تأسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در سال‌های اخیر، امروز، این دو سازمان به موجب قانون، مسئول همه امور ناشنوایان شده‌اند.

استفاده از سمعک به عنوان ابزار ضروری برای برخی از ناشنوایان در گذشته معمول نبود یا قدرت مالی خرید آن را نداشتند، ولی با تأمین بودجه توسط این سازمان‌ها سمعک‌های نسبتاً قوی‌تر و پیشرفته‌تر، در اختیار بسیاری از ناشنوایان گذاشته شد و آنها می‌توانند صداها را بشنوند.

بعضی از کارشناسان مسائل ناشنوایان برای رفع معضلات یا کاستن از حجم مشکلات کنونی، توصیه کرده‌اند: همه نوزادان، سنجش شنوایی شوند. حتی والدین با آموزش مختصری بتوانند با وسایل عادی تشخیص دهند نوزادانی که به صدا واکنش نشان نمی‌دهد، تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرند تا درمان شوند یا از ابتدا برخورد مناسبی با آنها بشود. به نظر می‌رسد با تأمین یک دستگاه پیشرفته سنجش شنوایی نوزاد در مرکز هر استان، شناسایی کودکان ناشنوا در زمان نزدیک به تولد آنها در تمام سطح کشور، ممکن شود.

رسانه‌ها:

یکی از فعالیت‌ها که در دهه‌های اخیر همواره رو به رشد بوده است، تخصیص ساعاتی از رسانه‌های دیداری - شنیداری همگانی به ناشنوایان است. رادیو و تلویزیون مهم‌ترین آنها است. اما رادیو به دلیل ماهیت صوتی آن نمی‌تواند مورد استفاده همه ناشنوایان قرار گیرد. ولی تلویزیون با تلاش‌های خود ناشنوایان و مؤسسه‌های ناشنوایی رشد خوبی در این زمینه داشته است. در بخش‌های خبر، گزارش، فیلم و سریال زبان اشاره و زیرنویس بیشتر و گسترش یافته، از این رو،

برداشتند و با جدیت فرصتها و امکانات موجود جهانی را شناسایی و از آنها بهره گرفته‌اند. مثلاً در عرصه ورزش، ناشنوایان، در سالهای اخیر، اقدامات مؤثر و ارزنده‌ای انجام داده‌اند. تشکیل المپیک مخصوص ورزشهای ناشنوایان در عرصه بین‌المللی، و ایجاد فدراسیون ورزشهای ناشنوایان در داخل کشور، از جمله اقدامات مؤثر قرن در امر ورزش ناشنوایان ایران است. تیم‌ها و گروههای ورزشی آنان در داخل در رشته‌های مختلف ورزشی توسعه یافته و در خارج هم به موفقیت‌های چشمگیر دست یافته‌اند. در حوزه پژوهش و آموزش نیز به مدارج عالی دست یافته‌اند.

حقوق اساسی و اجتماعی:

با شکل‌گیری نظام حقوقی در ایران در دوره جدید، قوانینی هم مربوط به ناشنوایان تصویب شده است. این حقوق، به اختصار این گونه است: در عرصه حقوق اساسی، این قوانین تصویب شده است: با توجه به بند چهارده اصل سوم و اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ناشنوایان مانند سایر افراد ملت، در برابر قانون، برابرند، در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ یک از اصول قانون اساسی، ناشنوایان را از حقوق اساسی مقرر برای سایر افراد ملت، محروم نکرده است. اما در برخورداری عملی ناشنوایان از حقوق اساسی، سه مورد مهم زیر، قابل توجه است:

حق برخورداری از آموزش ویژه:

چون ناشنوایی مانع آموزش کودکان ناشنوا از راه عادی است، برای تأمین آموزش کودکان ناشنوا و ایجاد فرصت برابر برای استفاده آنها از حق آموزش، ماده واحده قانون عادی تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی مصوب ۲۱ آذر ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی می‌گوید که با توجه به اهمیت و ویژگیهای توان‌بخشی، آموزش و پرورش کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، اعم از نابینایان، نیمه‌بینایان، ناشنوایان، نیمه‌شنوایان و...، تأسیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی را مقرر داشته و اساسنامه این سازمان، در ۲۹ مرداد ۱۳۷۰ به تصویب کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی رسیده است و با توجه به مجموع مقررات یاد شده، آموزش ویژه کودکان ناشنوا در مدارس مخصوص ناشنوایان و یا در کلاسهای مخصوص ناشنوایان در مدارس عادی، حق مسلم کودکان ناشنواست.

حق برخورداری از آموزش عالی:

با وجود اینکه چند سال است شمار قابل توجهی از جوانان ناشنوا به مؤسسات آموزش عالی راه یافته و دانش‌آموخته شده‌اند و یا به تحصیل در این مؤسسات، اشتغال دارند، ولی در نظر گرفتن مشکلات این قبیل دانشجویان در رقابت و مسابقه ورودی با دانشجویان شنوا و نیز در دوره آموزش عالی، جا دارد که برای تأمین فرصت علمی آموزش آنان در برابری با دانشجویان شنوا در ورود به مؤسسات عالی آموزش، برای داوطلبان ناشنوا، سهمیه‌ای مقرر گردد و برای برخورداری از این سهمیه، مسابقه ورودی بین ناشنوایان باشد و افزون بر این، آموزش دانشجویان ناشنوا در کلاسهای خاص و یا یک مؤسسه خاص یا قسمت خاصی از مؤسسات موجود، متمرکز شود که مشکل ارتباطی آنها در استفاده از دروس استادان با استفاده از تعداد کمی رابط زبان اشاره، مقدور گردد.

حق اشتغال و استخدام:

تبصره یک قانون الزام دولت، برای استخدام ده درصد از پرسنل مورد

استفاده ناشنوایان از این رسانه افزون‌تر شده است.

در تلویزیون سالهاست که در روزهای جمعه، برنامه اخبار برای ناشنوایان با اشاره، اجرا می‌شود و افزون بر این، چند سال است که مستمراً بعضی برنامه‌های تلویزیونی را یک اشاره‌گر برای ناشنوایان ترجمه می‌کند. با این همه، حق ناشنوایان در استفاده از اشاره، کاملاً رعایت نشده و بهبود کیفیت و زندگی ناشنوایان توسعه استفاده از اشاره را ایجاب می‌کند.

در عرصه روزنامه‌نگاری، اولین نشریه ناشنوایی به دست باغچه‌بان منتشر شد، هم اکنون مجله مجله سکوت به دست ناشنوایان مشهدی منتشر می‌شود. مجله تعلیم و تربیت استثنایی هم مقالات و گزارشهایی در زمینه مسائل ناشنوایان دارد.

در عرصه اینترنت، مؤسسه فرجام جام جم در صدد تأسیس پایگاه اینترنتی و بانک اطلاعات ناشنوایان در این پایگاه است.

مؤسسه‌ها و نهادها:

رشد و توسعه امور ناشنوایان در ایران مقارن با تأسیس نهادها و مراکز ناشنوایی بوده است. این مؤسسه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. دولتی و خصوصی. مراکز غیردولتی را افراد نیکوکار برای اهداف غیرانتفاعی تشکیل داده‌اند. این مراکز دارای کارنامه حجیمی از کارهای خدماتی و آموزشی و ... برای ناشنوایان ایران‌اند.

کانون ناشنوایان ایران، یکی از نخستین مؤسساتی است که در جهت امور رفاهی و اجتماعی ناشنوایان قدم برداشت. این کانون در ۱۳۳۹، به همت خود ناشنوایان ایجاد گردید و حمایت از تمام ناشنوایان را در تمام مراحل، به عهده گرفته است. از آنجا که همه اعضای اصلی و همچنین هیئت مدیره این کانون (غیر از دبیر کل) را ناشنوایان تشکیل می‌دهند، یکی از مؤسسات کم‌نظیر، نه تنها در ایران، بلکه در جهان است.

جمعیت حمایت از کودکان کرولال، دیگر مؤسسه‌ای بود که برای خدمت به ناشنوایان به وجود آمد. این جمعیت، گرچه نام کلی حمایت از کودکان کرولال را بر خود نهاده بود؛ ولی منحصراً کمک مالی به مدرسه خاصی را انجام می‌داد و امروزه فعالیتی ندارد.

سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران نیز، از جمله مؤسسات رفاهی بود که در ۱۳۵۰، برای انجام دادن امور رفاهی و کارایی ناشنوایان، ایجاد گردید. فعالیت این سازمان که در آغاز، زیر نظر وزارت بهداشت و بهزیستی انجام می‌گرفت، بعدها با ایجاد سازمان بهزیستی کشور، که وظیفه کمک به تمام کسان استثنایی را به عهده داشت، در سازمان بهزیستی ادغام گردید.

نهادهای ناشنوایی، در سالهای اخیر با کارشناسی‌ها به طرحها و تدبیرهایی رسیده و اجرا کرده‌اند. برخی از این اصول که در سالهای اخیر، جدی گرفته شده عبارت‌اند از: پذیرش ناشنوایی و آمادگی مقابله با مشکلات؛ پرهیز از شرم به دلیل ناشنوا بودن؛ مشروعیت ارتباط کامل، یعنی استفاده از همه وسایل تفهیم و تفاهم؛ الزام به تلاش و کوشش شخصی برای کسب توانایی بیشتر و زندگی بهتر؛ اتکا به خداوند با امید و اطمینان به نتایج حاصل از پیشرفتهای علمی. این نهادها، طرحهای اجرایی و تصمیم‌گیریهایی خود را مبتنی بر اصول متعارف به انجام می‌رسانند.

توسعه فعالیتها:

ناشنوایان ایران در دو دهه اخیر گامهای بلندی در عرصه‌های جهانی

نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان، مصوب سوم بهمن ۱۳۶۴ است. در قانون دیگری فرصت اشتغال معلولان از جمله ناشنوایان با سایر افراد ملت در نظر گرفته شده و یک سهمیه سه درصدی برای تأمین پرسنل مورد نیاز مؤسسات دولتی را به معلولان، اختصاص داده است. ولی در مورد اجرای این قانون، هیچ اطلاع و آماری منتشر نشده است و به نظر می‌رسد آیین‌نامه اجرایی این قانون، نیازمند تجدیدنظر باشد. برای تأمین فرصت اشتغال ناشنوایان در بخش خصوصی هم هیچ تمهیدی وجود ندارد.

حق تشکیل جمعیت:

ناشنوایان با تشکیل کانونهای خاص خود در نقاط مختلف کشور، از حق تشکیل سازمان (موضوع اصل بیست و ششم قانون اساسی) برخوردارند.

حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شورای اسلامی:

به موجب بند شش ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب هفتم آذر ۱۳۷۸، نابینایی و ناشنوایی و ناگویایی، مانع ثبت‌نام برای انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. بعضی حقوقدانان به دفاع از ناشنوایان برخاسته و نوشته‌اند: اگر نابینا یا ناشنوایی واجد شرایط مورد اعتماد اکثریت رأی‌دهندگان یک حوزه انتخابیه باشد، نابینا با کمک یک منشی، و ناشنوا با کمک یک رابط زبان اشاره، خواهد توانست وظایف نمایندگی خود را انجام دهد و اگر با وجود این امکان، نمایندگی آنها برای انتخاب‌کنندگان رضایت‌بخش نباشد، به آنها رأی نخواهد داد. بنابراین نادیده گرفتن این حق اساسی ناشنوایان و نابینایان، لزومی نداشته است؛ زیرا به موجب شرط سه ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخاب‌کنندگان باید عاقل باشند.

در عرصه حقوق مدنی، این موارد مهم، تصویب شده است: به موجب ماده ۹۵۶ قانون مدنی، اهلیت برای دارا بودن حقوق، با متولد شدن انسان، شروع و با مرگ او تمام می‌شود و طبق ماده ۹۵۷ قانون مدنی، حمل مدنی متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچ کس نمی‌تواند حقوق خود را اجرا کند، مگر اینکه برای این امر، اهلیت قانونی داشته باشد.

طبق قانون مدنی، اشخاص محجور (یعنی: صغار، اشخاص غیررشید و مجانین) از تصرف در اموال و حقوق مالی خود، ممنوع هستند و به مستفاد از مجموعه مواد یاد شده، مسلم است که ناشنوایان هم از تمام حقوق مدنی، متمتع‌اند و هم اهلیت اجرای حقوق خود را دارند و از جمله، از حقوق مدنی ذیل برخوردار:

حق انواع علاقه به املاک و اموال، حق انعقاد قرارداد خصوصی، حق انواع عقود و معاملات و ایقاعات، حق وراثت، حق انتخاب همسر و ازدواج، حق ولایت و حضانت، حق داشتن حساب بانکی، حق امضا و ثبت سند رسمی.

حق گرفتن گواهینامه رانندگی:

ناشنوایانی واجد شرایط، حق دارند گواهینامه رانندگی بگیرند و با مشخص کردن وسیله نقلیه خود با آرم مخصوص ناشنوایان، رانندگی کنند.

حق استفاده از زبان اشاره:

در تاریخ قانونگذاری کشور ما برای اولین بار مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ قانون مدنی، اشاره را به عنوان وسیله تفهیم و تفاهم، به رسمیت

شناخته است. مواد یاد شده که جزء جلد اول قانون مدنی در تاریخ ۱۳۰۷ توسط مجلس قانونگزاری وقت، به تصویب رسیده به شرح زیر است: ماده ۱۹۲ قانون مدنی: «در مواردی که برای طرفین یا یکی از آنها تلفظ ممکن نباشد، اشاره که مبین قصد و رضا باشد، کافی خواهد بود».

ماده ۱۹۴ قانون مدنی: «الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن، انشای معامله می‌نمایند، باید موافق باشد، به نحوی که احد طرفین، همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر، قصد انشای آن را داشته است؛ والا معامله باطل خواهد بود»، و بعد از مواد یاد شده به موجب ماده ۶۴ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ در تنظیم و ثبت اسناد اشاره به عنوان وسیله تفهیم و تفاهم، مورد قبول و تأکید قرار گرفت.

ماده ۶۴ یاد شده که تا کنون به قوت خود باقی است، به این شرح است: «در صورتی که طرفین معامله و یا یکی از آنها، کور یا کر و گنگ، بی‌سواد باشند، علاوه بر معرفی هر یک از اشخاص یاد شده باید به معیت خود، یک نفر از معتمدین خود را حاضر نماید. معتمد مزبور، در مورد اشخاص کر و گنگ، باید از جمله اشخاصی باشد که بتواند به آنها به اشاره، مطلب بفهماند...».

استفاده از رابط زبان اشاره، در مواردی که شاکی یا متهم، ناشنوا باشند، در مراجع انتظامی و قضایی به عنوان یک اصل، مقبول و معمول است. بر اساس همین حق است که تلویزیون، در سالهای اخیر برنامه‌هایی برای ناشنوایان با اشاره، پخش می‌کند.

منابع

باغچه‌بان، ثمین، بهره ناشنوایان، تهران، امیرکبیر، بی‌تا؛ بهروز، ذبیح، «خط و فرهنگ»، ویژه‌نامه نشریه ایران‌کوده، ش ۸؛ پاکزاد، محمود، هیاهو در دنیای سکوت، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۵، ص ۳۸-۳۵؛ تعلیم و تربیت استثنایی، شماره‌های مختلف؛ شکست سکوت، ش ۳ و ۲ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۴۰؛ ش ۲۶ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۲۸-۲۹؛ فصلنامه کانون ناشنوایان ایران، شماره‌های مختلف؛ دانشنامه ناشنوایان، به کوشش محمد نوری، ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۲؛

Best, Harry. *The Deafness and Deaf in the U. S. A.* Macmillan com. 1943.

